

ارسلان کامکار:

یانی یک عوام فریب بی‌سواد است

ارسلان کامکار مایستر ارکستر سمفونیک و یکی از بهترین نوازندگان عرصه موسیقی کلاسیک و سنتی حضور چهره‌های بین‌المللی موسیقی در ایران را اتفاق خوبی می‌داند و معتقد است این اتفاق با باعث شناخته شدن چهره ایران در سطح بین‌المللی خواهد شد.

او با اشاره به کریس دی برگ و کیتارو ادامه می‌دهد کریس دی برگ زمانی مطرح بود، اما اکنون او یک چهره کاملاً بازنشسته است. کیتارو هم بی‌گمان یکی از بزرگ‌ترین موسیقیدان‌های عرصه موسیقی الکترونیک است، اما در روزگار معاصر باید او را به چشم پیشگام این عرصه دید نه پیشرو. ای کاش برای مثال در عرصه موسیقی الکترونیک از هنرمندان به روزتری دعوت می‌شد تا ضمن این‌که برای وجه بین‌المللی ایران کاری کرده‌ایم برای به روز شدن ذهنیت زیبایی‌شناسانه هنرمندان کشور هم کاری می‌کردیم.

ارسلان کامکار درباره خبر حضور یانی در ایران می‌گوید: به نظر من یانی یک چهره کاملاً بی‌سواد و عوام‌فریب است. بزرگ‌ترین اتفاق زندگی هنری یانی کنسرت آکروپولیس بود که در همان موقع هم

معتقد بودم نگارنده چنین ملودی‌هایی بی‌سوادتر از آن است که بتواند چنین تنظیماتی را انجام دهد. با شنیدن آن قطعات بلافاصله متوجه شدم تمامی این اتفاق‌ها توسط هنرمند باکفایت شهداد روحانی انجام شده است. پس از مراجعت شهداد به ایران او نیز به این امر اعتراف کرد که تنظیم کنسرت آکروپولیس توسط او انجام شده است. استفاده از واژه بی‌سواد برای یانی عقیده شخصی من نیست این کلمه را شهداد روحانی برای یانی استفاده کرد.

او دلیل همکاری هنرمندان بزرگ با یانی را توانمندی فوق‌العاده زیاد مالی یانی می‌داند و می‌گوید: یانی هنرمندی است که از ساهورت مالی بسیار بسیار قدرتمندی برخوردار است، او تنها کاری که می‌کند این است که فضایی را برای بداهه‌نوازی هنرمندان بزرگی که در کنار خود دارد فراهم می‌کند. و این دقیقاً یعنی عوام‌فریبی.

ارسلان کامکار پیشنهاد می‌کند در ابتدا باید ارکسترهای خودمان را احیا کنیم و ادامه می‌دهد: ای کاش این هزینه‌ها صرف احیای ارکستر خودمان می‌شد. اگر این هزینه‌ها که برای دعوت از این



چهره‌ها صرف می‌شود از محل بودجه ارکستر سمفونیک تهران خرج می‌شود باشد خیالات محض است.

او درباره خبر احیای ارکستر سمفونیک و اختصاص بودجه ۴ میلیاردی برای آن می‌گوید: چندان خود را در مسائل اقتصادی و مالی صاحب نظر نمی‌دانم. از این‌که مبنای چنین محاسباتی چگونه است خبر ندارم. پس ترجیح می‌دهم وارد این قبیل موضوعات نشوم، اما بسیار خوشحالم که بالاخره برای احیای این ارکستر چاره‌ای اندیشیده شد و به همین هم راضی هستیم و شاکر.

گفتگو با مهدی، نادعلی مدیرعامل تعاونی هنرمندان معاصر درباره اقتصاد موسیقی

اقتصاد موسیقی یعنی محاسبه هنر

بسیاری از کارشناسان معتقدند مهم‌ترین مشکلی که این روزها موسیقی با آن دست و پنجه نرم می‌کند، مشکل اقتصادی است که آهسته آهسته به مشکل زیربنایی این هنر تبدیل شده است. بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند با مدیریت درست در حوزه موسیقی و اجرای طرح‌های جامع در این زمینه بتوانند اقتصاد این هنر را رونق دهند و البته موفق هم بوده‌اند و شاهد آن، به دست آوردن درآمدهای چشمگیر از فروش خدمات این شاخه هنری است، اما در ایران همچنان اقتصاد این رشته هنری به دلیل موانع جدی روند کنونی را طی می‌کند و تا رسیدن به سطح جهانی فاصله زیادی دارد. یکی از راه‌هایی که می‌تواند ما را در رسیدن به این سطح جهان باری کند، وجود بنگاه‌ها یا مؤسسات اقتصادی است که به صورت تخصصی به مباحث اقتصاد موسیقی ورود پیدا کنند و باری‌رسان هنرمندان و دست‌اندرکاران این هنر شوند؛ تعاونی هنرمندان یکی از همین فعالان است که در مورد اقتصاد موسیقی فعالیت‌های زیرساختی بسیاری همچون مذاکره و انعقاد تفاهم‌نامه برای مشارکت و سرمایه‌گذاری مؤسسات و بنگاه‌های مالی و پولی داشته است. یکی از طرح‌های این تعاونی ایجاد موزیک مارکت با همان بازار موسیقی ایران است که از چند سالی قبل روی آن کار کرده‌اند و در صورت هم‌راهی وزارت ارشاد، نوازنده‌ها، خواننده‌ها، شاعران و ترانه‌سراها، گرافیست‌ها، مهندسان ساز و صدا، تنظیم‌کننده‌ها، آهنگسازان و میکسرها همه را در این فرایند شبیه یک سازمان برای تولیدی متفاوت به کار می‌گیرد؛ تولیدی که کالای آن احساس است و صداهایی که خاطره خواهند شد. با مهدی نادعلی مدیرعامل تعاونی هنرمندان معاصر، درباره اقتصاد موسیقی به گفتگو نشستیم؛ حاصل آن را بخوانید.



موزیک مارکت در واقع محصول یک تفکر عملی برآمده از مفهوم اقتصاد موسیقی، برای نخستین بار در کشور راه‌اندازی شده است و امکان ایجاد اشتغال برای حداقل ۸ هزار نفر به طور ثابت را در سراسر کشور فراهم خواهد کرد

خواهند شد که این خود هنرمند را از هر حیث تأمین خواهد کرد و حتی شرایط بیکاری نیز در ایران برای مشاغل فرهنگی و هنری ایجاد می‌شود.

سلیقه مخاطب و کیفیت آثار تولیدی چقدر در شکوفایی اقتصاد این هنر می‌تواند مؤثر باشد؟

تأثیر آنکار ناپذیری دارد. اساساً خلق آثار هنری پر مخاطب بسیار مهم است و این‌که پدیدآورنده اثر در خطی حرکت کند که ضمن حفظ ارزش‌های معنوی، پاسخگویی نیازهای مخاطب هم باشد از جایگاه ویژه‌ای در ارتقای سطح اقتصاد برخوردار است. رونق اقتصاد موسیقی و دیگر رشته‌های هنری علاوه بر آنکه در سطح کلان کشور به طور عمده مؤثر است در ایجاد دیگر اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند، چرا که به واسطه رونق این عرصه زندگی معیشتی خالقان آثار هنری و دست‌اندرکاران حوزه موسیقی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

کیفیت زندگی هنرمندان این عرصه تا چه اندازه در خلق یک اثر ارزشمند که مورد توجه و اقبال عمومی قرار بگیرد، می‌تواند مؤثر باشد؟

این‌که امنیت اقتصادی زمینه‌ساز تولد انگیزه‌های بیشتر در آفرینندگان آثار است. وقتی فعالان این عرصه به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در شرایط مناسبی قرار گیرند و دغدغه‌های کمتری برای رفح نیازهای خود و خانواده‌هایشان داشته باشند می‌توانند با فراغ خاطر به نوآوری و خلق آثاری بپردازند که در جذب مخاطب موفق تر عمل کنند.

بر همین اساس می‌توان صراحتاً گفت که هنرمند در تمامی رشته‌ها و جمله موسیقی با اتکا به امنیت اقتصادی رشد می‌کند و باین رشد باعث پیشرفت اقتصاد کشور خود هم می‌شود.

هنرمندان این عرصه با وجود عدم رعایت حقوق مؤلف چگونه می‌توانند به این امنیت اقتصادی امیدوار باشند؟

متأسفانه مشکلات بسیاری در این زمینه وجود دارد، چون تأمین نیازهای اقتصادی هنرمندان رابطه مستقیمی با رعایت حق مؤلف دارد و خوب در ایران این موضوع با موانع زیادی روبه‌رو است. مراجع قانونی باید برای برخورد با ناقضان این حق فکر جدی‌تری داشته باشند. البته فرهنگ‌سازی هم می‌تواند بسیار پیش‌برنده باشد. وقتی مردم یاد بگیرند کپی‌کاتر موسیقایی یک نوع دزدی است قطعاً تمایل افراد به این تکنیک غیرقانونی، بدون پرداخت حقوق پدیدآورندگان آن کم می‌شود. حتی شاید بتوان گفت مسئولان اگر روی فرهنگ‌سازی به صورت جدی کار کنند، هم نتیجه مطلوب‌تری خواهیم گرفت هم هزینه کمتری پرداخت خواهیم کرد. به هر حال هر آلبوم یا اثر موسیقایی یک کالای اقتصادی هم هست و باید برایش مثل هر کالای دیگری قوانین و مقررات خاص طراحی کرد که هم حقوق تولیدکنندگان رعایت شود هم مصرف‌کنندگان آن برای جا تبه‌به و فرایند تولید و پخش و بازاریابی را در قالب ساختار سازمانی به سهولت آموزشی و پژوهشی، معاونت تولید و معاونت بازاریابی آثار موسیقی انجام می‌گیرد و تمامی افراد حقوق ثابت و بیمه



اقتصاد موسیقی را چگونه می‌توان تعریف کرد؟

اقتصاد موسیقی تعریفی جز تعریف علمی و آنچه در جهان اتفاق می‌افتد، ندارد. موسیقی از زمانی که به یک فعالیت اجتماعی در آمد، دچار اقتصاد شد و همانند دیگر رویادها نیاز به فرایند تدوین طرح توجیهی خواهد داشت. طرحی واقعی با محاسبه دقیق نوع و میزان مخاطب، تحقیق روی بازار هدف و مشتری، گستره توزیع و نحوه توزیع و خیلی از پارامترهای دیگر. موسیقی علمی است در بیان احساس به وسیله صدا؛ اقتصاد آن هم همین‌طور تعریف می‌شود اقتصاد موسیقی یعنی محاسبه هنر بیان احساسات با اعداد واقعی!

برای محاسبه این بیان احساس به وسیله صدا چه مشکلاتی پیش روی ماست؟

موانعی مثل تعداد اندک سالن‌ها، روند طولانی صدور مجوز از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سطح نامطلوب اطلاع‌رسانی و تبلیغات، هم‌اکنون رشد اقتصاد موسیقی را در ایران با سختی همراه کرده است. این در حالی است که به گفته کارشناسان اقتصادی نقش تعیین‌کننده این شاخه از اقتصاد هنر در رشد اقتصاد کلان کشور انکارناپذیر بوده و در بحث درآمدزایی می‌تواند بسیار مؤثر عمل کند.

اقتصاد هنر نیز چون دیگر شاخه‌های اقتصاد در خلال عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد و تحقق این امر، نیازمند سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و مصرف کالاها ی هنری است. هم‌اکنون چنین نگاهی در سطح موسیقی در بسیاری از کشورهای پیشرفته حاکم شده و تکنولوژی مدیریت بر این فضا به طور مناسب سایه افکنده است. این در حالی است که نبود مدیریت بر حوزه موسیقی و اقتصاد آن در کشورهای توسعه نیافته در حال توسعه به عنوان یک خلأ جدی وجود دارد. در ایران، هنسر در وجه معنوی آن مطرح بوده و نگاه سنتی به هنر محدود تجمیع سرمایه و بهره برداری‌ها را تنها در حد نیازهای معیشتی تعریف کرده است. چنان‌که در فرهنگ ایرانی این دیدگاه که هنرمند نباید متمول بود، نگاه اقتصادی به هنر داشته باشد، به طور جدی وجود دارد.

اگر چه برخی بر این باورند که نگاه اقتصادی در حوزه هنر و موسیقی می‌تواند بسیاری از ارزش‌ها را از میان برده و به تولید آثار بازاری بینجامد، اما به گفته کارشناسان حوزه موسیقی، هر چند نگاه صرف اقتصادی به هنر و موسیقی پیامدهای مطلوبی را به دنبال ندارد، اما زیرساخت‌های معنوی‌ای که هنرمند با اتکا به آن‌ها اقدام به خلق اثری می‌کند باعث ماندگاری و تکرار آن شده و این استمرار به خودی خود قابلیت درآمدزایی دارد.

درباره طرح بازار موسیقی ایران یا به گفته شما موزیک

یادداشت کاش علی رهبری باز نامه بنویسد



۹ سال پیش بود که سمفونی شماره ۹ بتیون، برای نخستین بار توسط ارکستر سمفونیک تهران به رهبری علی رهبری در تالار وحدت اجرا شد. خوب یادم هست که همه از توانایی و استعداد بالای نوازندگان آن ارکستر بسیار تعریف می‌کردند و باز خوب یادم هست در آخرین شب اجرای این ارکستر علی رهبری که بعد از ۳۰ سال به ایران بازگشته بود خطاب به مسئولان وقت گفت: «تا زمانی که

دستمزد نوازنده‌های ارکستر ماهی ۸۰ هزار تومان است، حاضر نیستم در ایران برنامه اجرا کند». حالا بعد از گذشت ۹ سال دستمزد نوازندگان ایرانی به ماهیانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان رسیده است. وضعیت نابسامان بیمه و استخدام را هم که به این دستمزد پایین اضافه کنیم، آن وقت با یک حساب سر انگشتی متوجه می‌شویم که نوازندگی نه تنها جزو مشاغل سخت است بلکه نوازنده به عشق هنر قید آرامش و آسایش خود و خانواده‌اش را هم می‌زند.

این در حالی است که موسیقی کلاسیک ایران مبتنی بر نوازندگی است و اوج آن را هم می‌توانید در تک‌نوازی ببینید. ناسی استادان به نامی چون مرتضی خان اسمی دادود، علی‌اکبر شهنازی، حسین تهرانی، حلیل شهناز، محمدرضا لطفی، برای همه ما آشناست و به بودنشان و هنرشان می‌بالیم و افتخار می‌کنیم. از این‌که صدای کمانچه کیوان کلهر جهانی است خوشحالییم.

نشان شش‌ولیه را در حد حسین علیزاده و سازش نمی‌دانیم و معتقدیم رد این نشان هوشمندانه بوده است، اما یادمان می‌رود همین پاییز چند نوازنده چیره‌دست و استاد مسلم را از دست دادیم و زیر خاک کردیم. گوگرد موسیقان نوازنده ویولن که رهبر گروه کر هم بوده و شش‌گردان بسیاری بر دست او پرورش یافته در انزوا می‌میرد؛ آن هم بی‌مستمری، بی‌حق بیمه؛ نمی‌پرسیم بعد از تعطیلی ارکستر سمفونیک چه بر سر علیرضا خورشیدفر آمد. او که هنوز صدای سازش و سوت به یاد ماندنی‌اش در «از کرخه تا این» می‌آید. نمی‌پرسیم نوازندگان شریفی که بهترین سال‌های عمرشان را به سختی تمرین می‌کنند، ساز می‌زنند و روزگار می‌گذرانند، سرر آخر چرا در مظلومیت خاموش می‌شوند.

ما همیشه به استعدادهای عجیب نوازندگانمان می‌بالیم و خبر موفقیت‌هایشان را دنبال می‌کنیم، اما هیچ وقت نمی‌پرسیم تفاوت حقوق یک نوازنده با خواننده در یک گروه چقدر است. هیچ وقت بریمان سؤال نیست که نوازنده‌ها با کدام بودجه ساز می‌خرند یا ساز تعمیر می‌کنند. نمی‌دانیم اگر بیماری گریبان یک نوازنده یا یکی از اعضای خانواده‌اش را بگیرد تکلیف چیست! حالا که قرار است با اختصاص بودجه ۴ میلیاردی ارکستر سمفونیک دوباره احیا شود خوب است از همین اول بنا را جور دیگری بچینیم. قدر نوازندگان چیره‌دستان را بدانیم و این بار با آن‌ها مهربان‌تر باشیم. اگر قرار است از همه توان و ظرفیت این هنرمندان استفاده کنیم باید شرایط آسایش مالی و معیشتی آن‌ها را هم فراهم کنیم. با پرداخت حداقل دستمزد‌ها هیچ قشری امنیت خاطر پیدا نمی‌کند، چه رسد به هنرمند که خاطرش نازک است و شکننده.

علی رهبری که هنوز سر حرفش ایستاده و کوتاه نمی‌آید کاش یک نامه سرگشاده دیگر هم برای وضعیت نوازنده‌های نوشت؛ شاید ما و مسئولان یادمان باید که شرط حضور دوباره‌اش در ایران چه بوده است.

پیشنهاد

تنها زن محقق موسیقی قشقایی در بستر بیماری است



این روزها پروین بهمنی آهنگساز و تنها زن محقق فرهنگ و موسیقی قشقایی در حالی که در بستر بیماری است که هیچ کدام از نهادهای مسئول هیچ اقدامی را برای حمایت و تأمین هزینه‌های سنگین بیماری او انجام ندادند.

پروین بهمنی به دلیل سرطانی سینه عمل جراحی سنگینی را پشت سر گذاشته است؛ ظاهراً این بیماری به‌عند تلفاقی هم سرایت کرده است، او به دلیل عوارض شیمی‌درمانی هم اکنون در بیمارستان بستری است. علاوه بر دردهایی که این هنرمند در ارتباط با بیماری تحمل می‌کند هر بنه‌های بالای آن نیز خود درد دیگری است. به گفته فرزندان پژوهشگر، تاکنون هیچ کمک جدی از سوی ارگان‌های مربوطه نظیر صندوق هنر، خانه موسیقی، مؤسسه پیشکسوت و معاونت هنری صورت نگرفته است و مسئولان در نهایت آن‌ها را به صندوق حمایت از هنرمندان ارجاع داده‌اند. مشون بلوکی فرزند پروین بهمنی گفته است: گذشته از مسائل صنفی، مادر دوستی قدیمی هم با هیئت‌اعضای خانه‌داشتند حتی به صندوق حمایت از هنرمندان ارجاع مبدلنا بعد این ماجرا کوچک‌ترین همکاری را هم سال‌ها این مرکز نخواهم کرد. پروین بهمنی پژوهشگر، نوازنده و آهنگساز موسیقی نواحی، سال گذشته در فست‌یوال هنر و موسیقی ترک زبانان جهان به‌عنوان یکی از مشاهیر و مفاخر آن ترک زبان تجلیل شد و در کنار آن هم به‌عنوان بانوی فرهنگی ترک‌زبان معرفی شدند. بهمنی سال گذشته در کشور دانمارک نیز یک کنسرت پژوهشی برگزار کرد و در آنجا هم از او تجلیل شد.

خبر

هنگامه اخوان: بانوان آهنگساز ندارند



آهنگسازان برای بانوان اثر نمی‌نویسند و این موضوع باعث باخوانی آثار قدیمی می‌شود. از طرفی، سبک آهنگسازان جوان با آثار ما هم خوانی ندارند. به هر حال وقتی آهنگساز نداریم، باید چه کنیم؟

«هنگامه اخوان» قرار است چهارم دی‌ماه برای بانوان در تالار وحدت اجرا داشته باشد. این کنسرت از ساعت ۱۶ تا ۱۸ با همراهی گروه «بهار» روی صحنه خواهد رفت و در آن، قطعاتی در دستگاه ماهور و اصفهان اجرا خواهد شد. هنگامه اخوان درباره این کنسرت گفت: ترانه «مرغ سحر» را اجرا خواهیم کرد و اجرای دو قطعه جدید را هم در نظر دارم. این کنسرت در واقع، یادآوری برای زنده‌یاد محمدرضا لطفی است که مدتی پیش، او را از دست دادیم. هنگامه اخوان درباره دلیل بازخوانی آثار قدیمی در اجراهایش می‌گوید: من عاشق کارهای قدیمی هستم و دلیل اجرا نکردن کارهای جدید نیز این است که در حوزه موسیقی بانوان، آهنگساز نداریم. البته معمولاً سعی می‌کنم، در کنسرت‌هایم کارهای جدید را هم اجرا کنم، اما وقتی آهنگساز نداریم، چه کار کنیم؟ هنگامه اخوان متولد سال ۱۳۳۴ است و از سال ۱۳۵۴ شروع به خواندن کرد. همچنین با گروه‌های «حرف» به سرپرستی پرویز مشکاتیان، «شیدا» به سرپرستی محمدرضا لطفی و به‌عنوان خواننده همکاری کرده است. او کنسرت‌های زیادی در ایران و اروپا برگزار کرده است. از اخوان در سال ۱۳۶۳ از سوی آرشوین صدوسیمای عوت به همکاری شد و اکنون در وزارت ارشاد به‌عنوان کارشناس موسیقی مشغول به کار است و به تدریس آواز نیز می‌پردازد.

عکس‌نوشت

دوتار استاد ذوالفقار عسگریان برای همیشه خاموش شد



برای همیشه خاموش شد یکی از شناخته‌ترین و برجسته‌ترین نوازندگان موسیقی مقامی، به ویژه شمال خراسان، و از شاخص‌ترین نوازندگان دوتار ایران بود. ذوالفقار عسگری‌پور متولد ۱۳۱۱ کاشمر و بزرگ شده تربت‌جام است. او از هفت سالگی به یادگیری دوتار نزد پدر پرداخت و به واسطه زندگی سیالی که داشت، توانست مجموعه‌ارزاشمندی از موسیقی سراسر خراسان (شمال تا جنوب) را بیاموزد و اجرا کند. همین ویژگی‌ها و تمام نوازندگانی خراسان متمایز می‌کند.